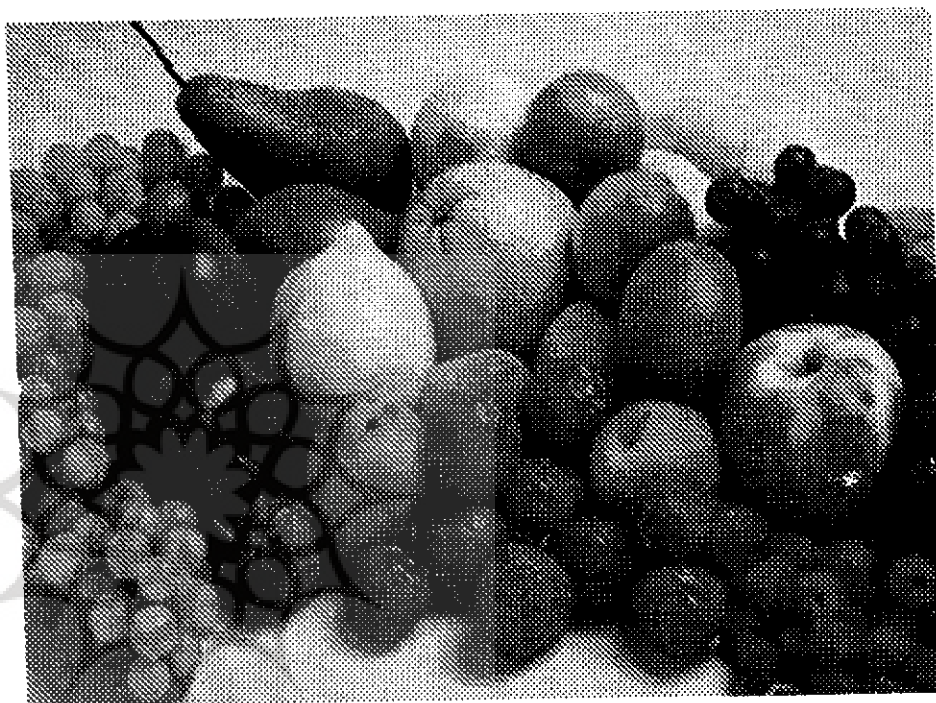


دیگان و شب یلدا



اردیبهشت) یعنی مدت ۵ شبانه روز درنگ کرد و این پنج روز، گاهنبار مدیوزرم (medyozarm) است. سپس گاهنبارهای مدیوشم (medyosham) ، پدیشه (pedishah) ، ایاسریم (ayasrim) ، مدیاریم (medyrim) و تروفته (truftag) نیز به همین صورت برای آئین‌های دیگر در طول سال به وجود آمده است. اما آفرینش گوسفند به ۷۵ روز یعنی از روز هرمزد ماه آبان، تا روز دی به مهر دی ماه صورت پذیرفت. هر مزد پنج روز درنگ کرد تا روز بهرام. آن پنج روز گاهنبار مدیاریم است.^(۱)

این گاهنبارها جدا از عیدهای مذهبی است. یعنی مختص زردتشیان است و پیروان دیگر ادیان، آن را برگزار نمی‌کنند. در نجد ایران عیدهایی بس کهن وجود داشته که در اساطیر هندی و ایرانی (وداها و اوستا) نامی از آن‌ها نمی‌آید و آن چنان می‌نماید که این عیدها به اجداد غیرآریایی ما به پیش از تاریخ باز می‌گردند. نوروز، مهرگان و سده از این دسته‌اند.^(۲)

پیدایش این آیین‌ها به زمان‌های مختلف برمی‌گردد. چنان‌که در روزگار هخامنشیان، سلطه‌ی امپراتوری بزرگ ایران زمین بر مصر

طول انجامید ، هرمزد، آفریدگان را به صورت مادی به ترتیب آسمان ، آب ، زمین ، گیاه ، گوسفند و مودم بیافرید. این شش آفرینش در یک سال یعنی ۳۶۵ روز انجام پذیرفته است. در پی هر آفرینش چند روزی فاصله بوده است که در آن روزها جشنی برپا می‌شده و چون شش آفرینش وجود داشته است، شش جشن نیز در طول سال برگزار می‌شده است. به عنوان نمونه هرمزد، آسمان را در چهل روز آفرید و آن از هرمزد روز فروردین ماه، تا آبان روز ماه اردیبهشت است. هرمزد از آبان روز (دهم اردیبهشت) تا روز دی به مهر (۱۵

پژوهش‌گر: سید محسن محرابی (کرمانشاه)
نیاکان ما از هر فرصتی برای جشن و پای‌کوبی بهره می‌بردند. آنان به بهانه‌های مختلف به شادی می‌نشستند و پایه‌های اجتماعی خود را مستحکم‌تر می‌کردند. وجود گاهنبارها، جشن‌های تقابل روز و ماه و ... هرگونه تردید را از بین می‌برد. در میان ماه‌های دوازده‌گانه‌ی سال دی ماه از نظر برگزاری مراسم و عیدها در جای‌گاه ویژه‌ای قرار دارد.

آن چنان‌که در گزارش پهلوی بندهش درباره آفرینش مادی آمده، در هنگام به گیجی افتادن اهریمن که سه هزار سال به



، باعث گردید تا گاه شماری ساده و منظم مصری با ماه‌های ۳۰ روزه که هر روز و هر ماه به نام ایزدی ویژه منتسب بود برگاه شماری ایرانی تاثیر بگذارد. مصریان و مطابق آنان ایرانیان روزهایی را که در آن ماه و روز منطبق می‌شد جشن می‌گرفتند و آن را به همان نام می‌خواندند. به عنوان نمونه فروردین روز فروردین ماه (۱۹ فروردین) را فرودگان می‌نامیدند و جشن برگزار می‌کردند. در این جشن‌های بومی نیز دی ماه جای‌گاه ویژه‌ای دارد.

دی در اوستا به معنی آفریننده و صفتی برای خدای بزرگ است که یک بار در آغاز هر ماه به نام هرمزد و سپس در روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم می‌آید. برای جلوگیری از اشتباه آن‌ها را به نام روزهای بعدی پیوند می‌دادند. به این شکل که روز هشتم را دی به آذر، روز پانزدهم را دی به مهر و روز بیست و سوم را دی به دین می‌نامیدند. و این سه روز را در دی ماه که مطابقت روز با ماه بود به جشن و نیایش می‌پرداختند. جشن‌های دیگان آیین ویژه به خود را داشت. به عنوان نمونه در دی به مهر دی ماه که دیگان نامیده می‌شد از خمیر یا گل، مجسمه‌ای را به شکل هیکل انسان می‌ساختند و در راهرو و دالان خانه می‌گذاشتند. در زمان ما این کار برای این که مانند کارهای مشرکان و اهل ضلال است متروک شده است. (۳) روزهای دیگر و عیدهای این چنین نیز به عناوین مختلف در قرن‌های پیش رو برگزار نمی‌شود و به فراموشی سپرده شده‌اند. در روزگار کنونی

در میان عیدها و جشن‌های مختلف دی ماه، تنها جشن روز اول آن که به شب یلدا معروف است برگزار می‌شود که متاسفانه از قدمت و آداب آن نیز اطلاعات چندانی در دست نداریم.

ابوریحان بیرونی روز اول دی ماه را که آن را خورماه نیز می‌گوید خرم روز می‌خواند و می‌گوید که در این روز پادشاه با جامه‌ی سپید به میان مردم می‌آمد و بدون هیچ نگهبان و درباری با گروه‌های مختلف مردم گفت و گو می‌کرد و با دهقانان و برزیگران در یک سفره غذا می‌خورد. (۴) اما دیگر ذکر نمی‌کند که چرا فقط روز اول دی ماه را خرم روز می‌گفتند. در اندرزهای انوشه روان، آذرباد مارسفندان توصیه شده که مردمان روز اول هر ماه یعنی هومزد روز را به می (شراب) خوردن و خرمی (شادی و پای‌کوبی) پردازند. (۵) و بدین ترتیب روز اول ماه برای همه‌ی ماه‌ها می‌تواند خرم روز نامیده شود و معلوم نیست که ابوریحان با توجه به کدام سند از دست رفته‌ای، فقط روز اول دی ماه را خرم روز می‌داند. البته او در پایین همین گزارش اولین روز دی ماه را به دلیل این که ۹۰ روز تا نوروز و سال نو باقی مانده نود روز می‌خواند که هیچ کدام از این مناسبت‌ها دلیل برگزاری جشن شب یلدا نمی‌تواند باشد. این که برخی شب یلدا را به میلاد مسیح (ع) مرتبط ساخته‌اند نیز جنبه‌ای دیگر از خاستگاه این مراسم است. البته در این که یلدا کلمه‌ی سریانی به معنی میلاد عربی است، تردیدی وجود ندارد. اما برای این که این سال روز را به زاد روز

حضرت مسیح پیوند بدهیم و یا به میلاد میترا، خدای بزرگ ایرانیان وصل کنیم، دلیل مستندی در دست نیست.

علامه دهخدا در فرهنگ گران سنگ خود در زیر واژه یلدا می‌نویسد: «باید توجه داشت که جشن میلاد مسیح «نول» که در ۲۵ دسامبر تثبیت شده است طبق پژوهش پژوهش‌گران، جشن ظهور میترا (مهر) بوده که مسیحیان در قرن چهارم میلادی آن را روز تولد عیسی قرار داده‌اند» (۶) از سوی دیگر در این شب علاوه بر تولد میترا، خورشید نیز متولد می‌شود و از سپیده دم این شب مدت زمان ظهور او در هر شبانه روز افزایش می‌یابد. متاسفانه علامه دهخدا نیز مانند بیشتر پژوهش‌گران به این دلیل که این جشن در روزگار کنونی در سراسر ایران برگزار می‌شود از آن به صورت سطحی گذشته و به آداب و رسوم و خاستگاه آن اشاره‌ای بیش تر نمی‌کند.

دکتر پرویز رجبی یلدا را باز مانده از جشن‌های کشاورزان، جشن پایان یک سال تلاش و مبارزه با طبیعت و طبیعت سالاران می‌داند. جشن خانوادگی و جشن آغاز بهره‌برداری از هر آن چه که در طول سال برای روزهای استراحت زمستانی خانواده اندوخته شده است. وی توجه به اندوخته‌های کشاورزان و روستاییان برای زمستان سخت و برای ماه‌هایی که دیگر هیچ کس قادر به ستاندن چیزی از طبیعت نیست را به عنوان دلیلی محکم برای خوردن آجیل و تنقلات در شب یلدا می‌داند. (۷)

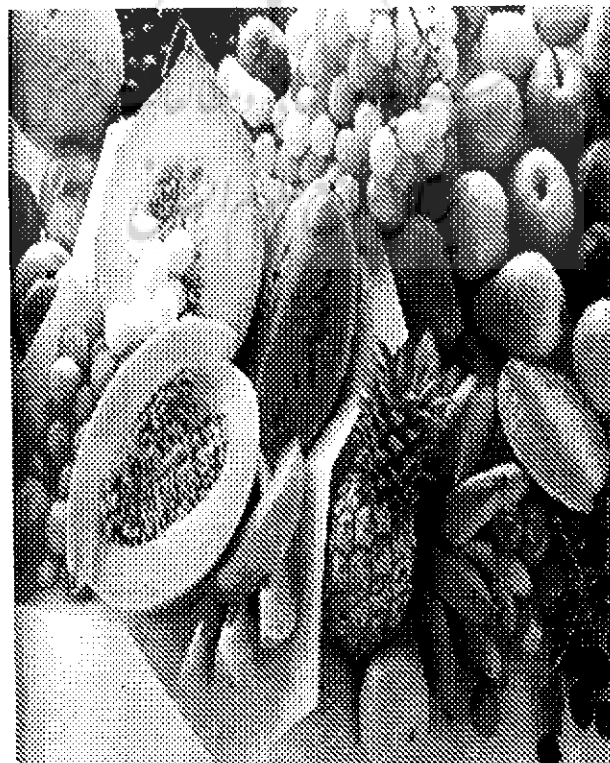
از دیدگاهی دیگر نوشته‌اند که شب یلدا شبی شوم و سخت نامیمون است. خاقانی شروانی در این باره می‌گوید:

هست چون صبح آشکارا، کاین صبح چندرا
بیم روزِ رستخیز است، از شبِ یلدای من^(۸)
دهخدا نیز می‌نویسد: «یلدا اول زمستان و شب آخر پاییز است که درازترین شب‌های سال می‌باشد و در آن شب یا نزدیک بدان آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و قدما آن را سخت شوم و نامبارک می‌انگاشتند ... یلدا برابر است با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه (برابر با گاه نامه‌ی) جلالی و شب بیست و یکم دسامبر فرانسوی»^(۹)
دهخدا باز هم می‌نویسد که چرا قدما آن شب را شوم می‌دانستند. در نوروز نامه‌ی خیام درباره ماه دی آمده است: «به زبان پهلوی (این ماه) دی دیو می‌باشد. بدان سبب این ماه را دیو خوانند که درشت بود و زمین از خرمی‌ها دور مانده بود»^(۱۰) به هر صورت

ما به راهنمایی ابوریحان در می‌یابیم که در گذشته در شب‌های شوم و نامبارک نیز مراسمی شبیه جشن‌های امروزی برگزار می‌شده است. برخی از ایرانیان روز مرگ جم به دست بیوراسب و چیره گشتن شیطان بر مردم و خانه‌ی آنان را شوم می‌دانستند. پس می‌کوشیدند که خود را از شیاطین در امان نگه دارند. این بود که دسته‌هایی از خویش را مامور می‌ساختند که خداوند را یاد کرده و بر صاحبان این خانه‌ها ثنا بخوانند و آن شب را خواب نمی‌رفتند. از این‌جاست که زدن در خانه‌ها و

آواز خواندن برای صاحب‌خانه‌ها از آن عهد یادگار مانده است»^(۱۱) آداب امروزی این شب شبیه همان شب نحس ابوریحان است. اقوام در این شب گردهم می‌آیند، شب را بیدار می‌مانند، به نقل حکایت می‌پردازند و ... به هر صورت یلدا چه جشن میلاد مهر و مسیح باشد و چه جشن خانوادگی کشاورزان و چه شبی شوم و نامبارک، یکی از کهن‌ترین رسم‌های زیبای ایرانیان است که متأسفانه بسیار ناشناخته مانده است و با همین غریبی چون برخاسته از درون جامعه و مردم عادی این مرز و بوم بوده است پس از نوروز، پررونق‌ترین جشن پارسیان است و سنت‌هایی را از روزگار دیرین فریاد ما می‌آورد.

یکی از سنت‌های اصلی این شب استفاده از میوه‌های انار و هندوانه است. انار در دین زردشتی جای‌گاه ویژه‌ای دارد. از شاخه



های نازک و ترکه‌های آن برای برسَم barsam^(۱۲) و هوم استفاده می‌شود و مصرف آن در جشن‌های مختلف بی‌مورد نمی‌باشد. اما هندوانه میوه‌ای است به معنی از هند آورده شده و برای استفاده از آن در چنین شبی دلایل مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. در اوستا به اهریمنی اشاره می‌شود به نام زیویچ که در شب‌ها به سراغ یکتاپرستان می‌آید^(۱۳) می‌توان چنین پنداشت که شاید ایرانیان وجود این اهریمن را در طولانی‌ترین شب سال بیش‌تر حس کرده‌اند این اهریمن به یکتاپرستان زهر می‌نوشاند و یکی از زهرهای نام برده شده در اوستا کبست یا کبست^(۱۴) است و این کبست همان است که در لغت‌نامه‌ها حنظل یا هندوانه‌ی ابوجهل نامیده می‌شود. هندوانه‌ی ابوجهل بسیار تلخ و بدمزه است. شاید بتوان گفت که ایرانیان برای مبارزه با آن که با کبست در شب یلدا می‌آید از هندوانه‌ی شیرین استفاده کرده‌اند؟ این گمان زمانی پررنگ‌تر می‌شود که در می‌یابیم که دیو زیویچ در اوستا به نام زیوی فینگوره نیز خوانده می‌شود که به معنای سبز رنگ یا زرد رنگ است^(۱۵) محمد علی داعی الاسلام آن را سبز خور معنی می‌کند^(۱۶) باقی ماندن پوسته‌ی سبز رنگ هندوانه شاید دلیل دیگری بر این ادعا باشد. یعنی می‌توان چنین پنداشت که ایرانیان در شب یلدا برای رفع حمله‌ی احتمالی دیو سبز خور، باقی



مانده‌های سبز رنگ هندوانه (پوست) را در گوشه‌ی خانه می‌گذاشتند تا هم سهم دیو به او داده شود و هم در جهت مقابله با او تدبیری اندیشیده باشند.^(۱۷)

در تعریف هندوانه آمده است که: مواد قندی در درون برجمع شده و دانه‌ها در داخل درون بر پراکنده و به عنوان یک میوه مدر و میرد تجویز می‌شود^(۱۸) و این خصوصیت نیز به آن جنبه‌ای قابل تامل می‌دهد.

هندوانه و انار به صورت مشترک و با هم در دیگر آیین‌های ایرانیان نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در روزگار پیش از اسلام ایرانیان بر سر مزار مردگان به مناسبت فصل هندوانه، انار و دسته‌هایی از گل‌های نرگس قرار داده و شیرینی‌های خانگی مصرف کرده‌اند.

از دیگر رسم‌های شب یلدا علاوه بر خوردن آجیل، هندوانه و انار که ذکر آن رفت، شاهنامه خوانی و تقال بر دیوان خواجه‌ی شیراز است که در سال‌های پس از اسلام حال و هوایی خاص را به این شب ماندگار، اما ناشناخته می‌دهد و ما را بر آن می‌دارد که در برپایی با شکوه‌تر آن کوشا تر باشیم. فراموش نکنیم که برپایی آیین‌های دیرین و احترام به سنت‌های ملی، باعث ماندگاری تاریخ و تمدن کهن پارسی خواهد شد.

پایان



پی‌نوشت‌ها:

۱- پژوهشی در اساطیر ایران (پاره اول و دوم)، مهرداد بهار، ص ۴۷ انتشارات آگه چاپ چهارم پاییز ۸۱

۲- پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار ص ۴۵۵

۳- آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت ص ۳۴۵ انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۳

۴- آثار الباقیه ص ۳۴۴

۵- ترجمه چند متن پهلوی، ملک الشعرای بهار به کوشش محمد گلبن ص ۸۵

۶- لغت نامه دهخدا، جلد ۵۰، ص ۲۶۲ ناشر موسسه لغت نامه دهخدا ۱۳۶۵

۷- ماهنامه چیستا دی ماه ۶۰، جشنهای دیگان، دکتر پرویز رجیبی ص ۵۸۸

۸- ارمغان صبح، برگزیده قصاید خاقانی شروانی، گزینش و گزارش از دکتر نصر الله امامی ص ۱۵۰ انتشارات جام چاپ اول ۷۵

۹- لغت نامه دهخدا، جلد ۵۰، ص ۲۶۲

۱۰- نوروزنامه، منسوب به عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری به کوشش علی حصوری، ناشر کتابخانه طهوری فروردین ۲۵۳۷ (۱۳۵۷)

۱۱- آثار الباقیه ص ۳۴۷
۱۲- کبست Kabast میوه تلخ - زهر (مجله فردوسی)

۱۳- اوستا ترجمه جلیل دوستخواه، جلد دوم، ص ۱۰۰۰، انتشارات مروارید چاپ اول ۱۳۷۰

۱۴- برَسَم Barsam دسته‌ای از شاخه‌های نازک و ترکه‌های درختان و گیاهان خوش بو که بیش‌تر از درخت انار تهیه می‌شد. این شاخه‌های نازک، کوچک و خوش بو به کمر بسته می‌شد و یا به عنوان چوب دست از آن استفاده می‌گردید. مقام‌های مذهبی زرتشتی و دولت مردان بلند پایه در هنگام اجرای مراسم رسمی آن را به کمر می‌بستند و یا در دست می‌گرفتند. (مجله فردوسی)

۱۵- اوستا، جلد دوم ص ۱۰۰۰

۱۶- اوستا، جلد دوم ص ۸۰۲

۱۷- شاید یکی از علت‌های بی‌شماری که در تاریخ تمدن و فرهنگ اقوام مختلف ایران از هزاره‌های دیرین پیش اسلام و بعد از آن درباره آیین‌های شب یلدا وجود داشته و دارد، این باور باشد که مردم نسبت به شب و تاریکی احساس دیگری دارند و بسیاری از شب و تاریکی وحشت دارند و می‌پندارند که این دو پدیده طبیعی زمینه‌ساز بسیاری از ناسازگاری‌ها هستند. در بسیاری از فرهنگ‌های جهانی و در بین ملت‌های مختلف شب به عنوان نماد پنهان‌کاری و تاریکی به عنوان نشانه‌ی مخفی‌کاری و ناسازگاری شناخته شده است.

در بسیاری از شعرها، داستان‌ها و گزارش‌های ادبی و غیر ادبی درباره شب تاریکی بسیار سخن‌ها گفته‌اند. به نیکی و یا به زشتی، به آرامش و سکون و یا به پلیدی و تاریکی. چنان چه این باور را بپذیریم که برخی از مردم از دیرگاه‌های تاریخی تا امروز شب یلدا را شوم پنداشته‌اند، شاید درازتر بودن آن به نسبت شب‌های دیگر سال و هم‌چنین طول مدت زمان خاموشی و تاریکی در این بزرگ‌ترین شب سال است.

شاعران و نویسندگان فراوانی در متن‌های ادبی پارسی از شب یلدا، تاریکی آن و طولانی بودنش بسیار سخن‌ها گفته‌اند. آن بیدار خوابی‌ها، شب زنده داری‌ها، دور هم جمع شدن‌ها، جشن و میهمانی‌های خانوادگی در این شب نیز می‌تواند بهانه‌ای باشد برای مبارزه با دیو تاریکی و هیولای شب و فرار دادن ارواح خبیثه. همین موضوع می‌تواند عاملی باشد برای شب‌زنده داری و بیدار خوابی و جمع شدن دور یک دیگر در شب یلدا که به شکلی منطقی از هراس تاریکی و طولانی بردن این شب می‌کاهد. (مجله فردوسی)

۱۸- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، جلد چهارم، ص ۵۲۰۷، انتشارات امیرکبیر چاپ نهم ۱۳۷۵



مانده‌های سبز رنگ هندوانه (پوست) را در گوشه‌ی خانه می‌گذاشتند تا هم سهم دیو به او داده شود و هم در جهت مقابله با او تدبیری اندیشیده باشند.^(۱۷)

در تعریف هندوانه آمده است که: «مواد قندی در درون بر جمع شده و دانه‌ها در داخل درون بر پراکنده و به عنوان یک میوه مدر و میرد تجویز می‌شود»^(۱۸) و این خصوصیت نیز به آن جنبه‌ای قابل تامل می‌دهد.

هندوانه و انار به صورت مشترک و با هم در دیگر آیین‌های ایرانیان نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در روزگار پیش از اسلام ایرانیان بر سر مزار مردگان به مناسبت فصل هندوانه، انار و دسته‌هایی از گل‌های نرگس قرار داده و شیرینی‌های خانگی مصرف کرده‌اند.

از دیگر رسم‌های شب یلدا علاوه بر خوردن آجیل، هندوانه و انار که ذکر آن رفت، شاهنامه خوانی و تقال بر دیوان خواجه‌ی شیراز است که در سال‌های پس از اسلام حال و هوایی خاص را به این شب ماندگار، اما ناشناخته می‌دهد و ما را بر آن می‌دارد که در برپایی با شکوه‌تر آن کوشا تر باشیم. فراموش نکنیم که برپایی آیین‌های دیرین و احترام به سنت‌های ملی، باعث ماندگاری تاریخ و تمدن کهن پارسی خواهد شد.

پایان



پی‌نوشت‌ها:

۱- پژوهشی در اساطیر ایران (پاره اول و دوم)، مهرداد بهار، ص ۴۷ انتشارات آگه چاپ چهارم پاییز ۸۱

۲- پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار ص ۴۵۵

۳- آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت ص ۳۴۵ انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۳

۴- آثار الباقیه ص ۳۴۴

۵- ترجمه چند متن پهلوی، ملک الشعرای بهار به کوشش محمد گلبن ص ۸۵

۶- لغت نامه دهخدا، جلد ۵۰، ص ۲۶۲ ناشر موسسه لغت نامه دهخدا ۱۳۶۵

۷- ماهنامه چیستا دی ماه ۶۰، جشنهای دیگان، دکتر پرویز رجیبی ص ۵۸۸

۸- ارمغان صبح، برگزیده قصاید خاقانی شروانی، گزینش و گزارش از دکتر نصر الله امامی ص ۱۵۰ انتشارات جام چاپ اول ۷۵

۹- لغت نامه دهخدا، جلد ۵۰، ص ۲۶۲

۱۰- نوروزنامه، منسوب به عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری به کوشش علی حصوری، ناشر کتابخانه طهوری فروردین ۲۵۳۷ (۱۳۵۷)

۱۱- آثار الباقیه ص ۳۴۷

۱۲- کبست Kabast میوه تلخ - زهر (مجله فردوسی)

۱۳- اوستا ترجمه جلیل دوستخواه، جلد دوم، ص ۱۰۰۰، انتشارات مروارید چاپ اول ۱۳۷۰

۱۴- برَسَم Barsam دسته‌ای از شاخه‌های نازک و ترکه‌های درختان و گیاهان خوش بو که بیش‌تر از درخت انار تهیه می‌شد. این شاخه‌های نازک، کوچک و خوش بو به کمر بسته می‌شد و یا به عنوان چوب دست از آن استفاده می‌گردید. مقام‌های مذهبی زرتشتی و دولت مردان بلند پایه در هنگام اجرای مراسم رسمی آن را به کمر می‌بستند و یا در دست می‌گرفتند. (مجله فردوسی)

۱۵- اوستا، جلد دوم ص ۱۰۰۰

۱۶- اوستا، جلد دوم ص ۸۰۲

۱۷- شاید یکی از علت‌های بی‌شماری که در تاریخ تمدن و فرهنگ اقوام مختلف ایران از هزاره‌های دیرین پیش اسلام و بعد از آن درباره آیین‌های شب یلدا وجود داشته و دارد، این باور باشد که مردم نسبت به شب و تاریکی احساس دیگری دارند و بسیاری از شب و تاریکی وحشت دارند و می‌پندارند که این دو پدیده طبیعی زمینه‌ساز بسیاری از ناسازگاری‌ها هستند. در بسیاری از فرهنگ‌های جهانی و در بین ملت‌های مختلف شب به عنوان نماد پنهان‌کاری و تاریکی به عنوان نشانه‌ی مخفی کاری و ناسازگاری شناخته شده است.

در بسیاری از شعرها، داستان‌ها و گزارش‌های ادبی و غیر ادبی درباره شب تاریکی بسیار سخن‌ها گفته‌اند. به نیکی و یا به زشتی، به آرامش و سکون و یا به پلیدی و تاریکی. چنان چه این باور را بپذیریم که برخی از مردم از دیرگاه‌های تاریخی تا امروز شب یلدا را شوم پنداشته‌اند، شاید درازتر بودن آن به نسبت شب‌های دیگر سال و هم‌چنین طول مدت زمان خاموشی و تاریکی در این بزرگ‌ترین شب سال است.

شاعران و نویسندگان فراوانی در متن‌های ادبی پارسی از شب یلدا، تاریکی آن و طولانی بودنش بسیار سخن‌ها گفته‌اند. آن بیدار خوابی‌ها، شب زنده داری‌ها، دور هم جمع شدن‌ها، جشن و میهمانی‌های خانوادگی در این شب نیز می‌تواند بهانه‌ای باشد برای مبارزه با دیو تاریکی و هیولای شب و فرار دادن ارواح خبیثه. همین موضوع می‌تواند عاملی باشد برای شب‌زنده داری و بیدار خوابی و جمع شدن دور یک دیگر در شب یلدا که به شکلی منطقی از هراس تاریکی و طولانی بردن این شب می‌کاهد. (مجله فردوسی)

۱۸- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، جلد چهارم، ص ۵۲۰۷، انتشارات امیرکبیر چاپ نهم ۱۳۷۵